

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

علوم قرآنی ۲

(همانندناپذیری و تحریفناپذیری قرآن)

حجت الاسلام دکتر فتح الله نجارزادگان

استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران - پردیس فارابی (قم)

تابستان ۱۳۹۸

درسنامه دانشگاه
علوم قرآن و حدیث

نجاززادگان، فتح الله، ۱۳۳۷ -

علوم قرآنی (۲): همانندناپذیری و تحریف ناپذیری قرآن / فتح الله نجاززادگان - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸. یازده، ۱۹۶ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۸۱: قرآن پژوهی؛ ۵۷)

ISBN: 978-600-298-246-9

بها: ۲۰۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه. ص. [۱۷۹-۱۸۷]؛ همچنین به صورت زیرنویس. نمایه.

۱. قرآن -- اعجاز. ۲. Qur'an -- Miracles. ۳. قرآن -- وحی. ۴. Qur'an -- Inspiration. ۵. قرآن -- تحریف. ۶. Qur'an -- *Distortion. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۲۹۷/۱۵۸

۱۳۹۷ ع ۸/۳ ن/ BP۸۶

شماره کتابشناسی ملی

۵۵۲۱۸۰۴



علوم قرآنی (۲): همانندناپذیری و تحریف ناپذیری قرآن

مؤلف: فتح الله نجاززادگان (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

ناظر: دکتر علی نصیری

ویراستار: سعیدرضا علی عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرایشی: اعتصام

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

این اثر با حمایت مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور تدوین شده و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.ب. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶



سخن مرکز

علوم قرآن و حدیث، رشته دیرپای دانشگاهی است که عزت انتساب آن به قرآن کریم و حدیث شریف موجب شده تا جامعه، انتظارات علمی، ارزشی و حتی عاطفی ویژه‌ای از آن داشته باشد. از این رو «مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور» با هدف تحول و تعالی نظام تولید علم و تربیت نیروی انسانی قرآنی متناسب با نیاز کنونی جامعه اسلامی، بازنگری و تجمیع برنامه‌های درسی دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث را در دستور کار قرار داد.

انجام این مأموریت با مشارکت صاحب‌نظران علوم قرآن و حدیث و زمینه‌های مرتبط، پنج سال به طول انجامید که حاصل آن، برنامه درسی مشتمل بر ۱۰۰ واحد مشترک و شش مجموعه اختیاری ۳۵ واحدی با عناوین «مطالعات قرآن»، «مطالعات حدیث»، «تربیت دبیر آموزش قرآن و حدیث»، «تربیت مربی آموزش قرآن و حدیث»، «هنرهای قرآنی (قرائت و کتابت)» و «فرهنگ و رسانه» است.

نقشه راه این تحول ضروری می‌نمود که درسنامه‌های رشته نیز، طراحی و تدوین شود. این کار با شناسایی و جلب مشارکت استادان بسیاری از گروه‌های آموزشی کشور و با مدیریت «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «دانشگاه قرآن و حدیث» انجام شد.

این اقدامات، نخستین گام در ارتقای محتوا و انسجام درونی این رشته بود که بی‌گمان از نقص و نارسایی مبرّا نیست. امید می‌رود این برنامه و درسنامه‌های آن مورد عنایت استادان و دانشجویان گرامی قرار گیرد و با نظرات مشفقانه و انتقال تجربیات اجرای آن، این مرکز را در بازنگری مجدد برنامه کارشناسی و بازطراحی مقاطع تحصیلات تکمیلی همراهی کنند.

مرکز هماهنگی و توسعه
پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۴۵۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان کتاب درسی در زمینه مطالعات قرآنی برای دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث و تفسیر در مقطع کارشناسی فراهم شده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های نویسنده محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر فتح‌اله نجارزادگان و نیز از ناظر محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر علی نصیری سپاسگزاری کند. همچنین از نقش حمایتی مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور و تلاش‌های اعضای محترم کارویژه مدیریت تدوین درسنامه‌های قرآنی و همه عزیزانی که در آماده‌سازی و انتشار این اثر نقش داشته‌اند؛ سپاسگزاری می‌شود.

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱

بخش اول: تحلیل همانندناپذیری قرآن

درس اول: معناشناسی معجزه و ضرورت پژوهش ۷

اعجاز در لغت ۷

معجزه در اصطلاح ۸

پیشینه پژوهش ۸

ارزیابی تعریف معجزه با معیار قرآن ۱۰

ضرورت شناخت معجزه قرآن ۱۵

انتظار از معجزات ۱۷

چکیده درس ۱۸

پرسش ۱۹

پژوهش ۱۹

درس دوم: حکمت نیاز به معجزات ۲۱

حکمت نیاز به معجزات با تحلیل نیاز به وحی ۲۲

حکمت نیاز به معجزه با تحلیل شئون پیامبران ۲۶

چکیده درس ۲۸

پرسش ۲۹

پژوهش ۲۹

درس سوم: ادله اثبات اعجاز قرآن ۳۱

درآمد: ویژگی‌های معجزه قرآن ۳۱

۳۳ دلیل اول: آیات تحدی
۳۶ دلیل دوم: آیات اخبار از نزول قرآن در بیان پیامبران و کتاب‌های الهی پیشین
۳۸ دلیل سوم: کفایت قرآن برای صدق رسالت و معجزه
۳۹ دلیل چهارم: کفایت گواهی خداوند و امیر بیان
۴۱ چکیده درس
۴۲ پرسش
۴۲ پژوهش

۴۵ درس چهارم: وجوه اعجاز قرآن در قرآن
۴۵ هماهنگی و نبودن اختلاف در قرآن
۴۶ هماهنگی و نبودن اختلاف در قرآن
۴۸ تبیین ملازمه نبودن اختلاف با اعجاز قرآن
۴۹ تحلیل ویژگی‌های انسان
۵۱ تحلیل ویژگی‌های قرآن
۵۳ تبیین هماهنگی معارف قرآن بر پایه توحید
۵۴ چکیده درس
۵۵ پرسش
۵۵ پژوهش

۵۷ درس پنجم: بررسی پندار وجود اختلاف و تناقض در قرآن
۵۷ درآمد: دسته‌بندی مناقشه‌ها درباره قرآن
۵۹ سیری در پیشینه ادعای اختلاف در قرآن و پاسخ به آن
۶۱ خطوط راهبردی در پاسخ به پندار اختلاف در قرآن
۶۷ چکیده درس
۶۷ پرسش
۶۸ پژوهش

۶۹ درس ششم: وجوه اعجاز قرآن در قرآن
۶۹ اُمّی بودن پیامبر اسلام
۷۰ تبیین ملازمه اُمّی بودن پیامبر ﷺ با اعجاز قرآن
۷۴ نقد پندار نبوغ ذاتی پیامبر اسلام ﷺ به جای وحی
۷۷ چکیده درس
۷۷ پرسش
۷۸ پژوهش

۷۹	درس هفتم: وجوه اعجاز قرآن در استنباط قرآن پژوهان
۸۰	فصاحت و بلاغت قرآن
۸۸	اخبار غیبی
۸۹	آموزه‌های علوم تجربی
۹۱	چکیده درس
۹۱	پرسش
۹۲	پژوهش
۹۵	درس هشتم: معیارشناسی مثلیت در تحدی با قرآن
۹۶	راهکار معناشناسی مثل در آیات تحدی
۹۸	معیارهای مثلیت در تحدی با قرآن
۱۰۲	چکیده درس
۱۰۳	پرسش
۱۰۳	پژوهش

بخش دوم: تحلیل تحریف‌ناپذیری قرآن

۱۰۷	درس نهم: معناشناسی تحریف و ضرورت پژوهش
۱۰۷	تحریف در لغت:
۱۰۸	تحریف در اصطلاح:
۱۱۰	ضرورت پژوهش در تحریف‌ناپذیری قرآن:
۱۱۱	چکیده درس
۱۱۲	پرسش
۱۱۲	پژوهش
۱۱۳	درس دهم: سیر اندیشه تحریف‌ناپذیری قرآن
۱۱۳	تحریف‌ناپذیری در آیات قرآن:
۱۱۴	تحریف‌ناپذیری قرآن در آثار معصومان:
۱۱۷	تحریف‌ناپذیری قرآن در نگاه دانشمندان:
۱۲۱	چکیده درس
۱۲۲	پرسش
۱۲۲	پژوهش
۱۲۵	درس یازدهم: ادله قرآنی تحریف‌ناپذیری قرآن (۱)
۱۲۵	الف) استدلال به آیه حفظ:

۱۲۷	ب) استدلال به آیه عدم اتیان باطل در قرآن:
۱۲۹	چکیده درس
۱۳۰	پرسش
۱۳۰	پژوهش

درس دوازدهم: ادله قرآنی تحریف‌ناپذیری قرآن (۲)..... ۱۳۳

۱۳۳	یک: شکوه پیامبر خدا ﷺ درباره مهجوریت قرآن:
۱۳۴	دو: نفی ریب و تردید از ساحت قرآن:
۱۳۴	سه: قیومیت و سیطره قرآن و نفی کژی از ساحت آن:
۱۳۶	چهار: امکان نداشتن اطفای نور خدا:
۱۳۷	پنج: رصد الهی در ابلاغ وحی:
۱۳۹	چکیده درس
۱۳۹	پرسش
۱۴۰	پژوهش

درس سیزدهم: ادله روایی تحریف‌ناپذیری قرآن..... ۱۴۱

۱۴۱	الف) روایات گواهی معصومان (علیهم‌السلام):
۱۴۲	ب) احادیث عرض:
۱۴۴	ج) حدیث ثقلین:
۱۴۵	د) احادیث پناه بردن به قرآن:
۱۴۵	ه) احادیث جایگاه قرآن:
۱۴۶	و) روایات احکام فقهی:
۱۴۷	ز) روایات فضائل قرائت، حفظ و... قرآن:
۱۴۸	چکیده درس
۱۴۸	پرسش
۱۴۸	پژوهش

درس چهاردهم: ادله اعتباری تحریف‌ناپذیری قرآن..... ۱۵۱

۱۵۱	الف) اهتمام ویژه پیامبر خدا ﷺ به قرآن:
۱۵۳	ب) اهتمام خاص مسلمانان به قرآن:
۱۵۶	ج) ناسازگاری تحریف قرآن با حکمت خدا:
۱۵۷	چکیده درس
۱۵۷	پرسش
۱۵۷	پژوهش

۱۵۹	درس پانزدهم: ارزیابی پندار تحریف قرآن (۱)
۱۵۹	درآمد:
۱۶۰	ژرفنگری در احادیث و معناشناسی واژگان کلیدی:
۱۶۶	چکیده درس
۱۶۷	پرسش
۱۶۷	پژوهش
۱۶۹	درس شانزدهم: ارزیابی پندار تحریف قرآن (۲)
۱۶۹	اختلاف قرائات:
۱۷۱	تفاوت مصحف امام علی با مصحف موجود:
۱۷۲	حدیث کمیّت آیات:
۱۷۴	اعتبارسنجی اسناد روایات تحریف‌نما:
۱۷۵	علاج کلی روایات تحریف‌نما:
۱۷۶	چکیده درس
۱۷۶	پرسش
۱۷۷	پژوهش
۱۷۹	کتابنامه
۱۸۹	نمایه‌ها

پیشگفتار

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»^۱ قرآن کریم، به عنوان آخرین پیام الهی، دربر دارنده معارف بی‌همتا در راستای سعادت و کمال آدمیان است، محتوای آن با فطرت و سرنوشت انسان‌ها سازگار و درک و فهمش برای طبقات گوناگون بشر هموار است. به تعبیر امیرالمؤمنین (علیه السلام): قرآن، اقیانوس بیکرانی است که به ژرفای آن نمی‌توان رسید^۲ و شگفتی‌های آن پایان نخواهند یافت.^۳ این کتاب الهی، با اوصافی همچون کتاب،^۴ حدیث،^۵ کلام الله،^۶ قرآن،^۷ تنزیل،^۸ حق،^۹ برهان،^{۱۰} حکمت^{۱۱} و... توصیف شده است.

خداوند بر ما منت نهاد و این کتاب را برای ما نازل کرد به ما فرمود: «هرچه میسر شود از قرآن بخوانید»،^{۱۲} «در آموزه‌های آن تدبیر کنید»،^{۱۳} «به این کتاب - از اعماق جان - ایمان آورید»^{۱۴} پس بر ماست - دست‌کم - برای ایمان به این کتاب و انس و زندگی با آن، این نامه الهی را ژرف و همه جانبه بشناسیم. این شناخت ابعاد گوناگونی دارد.^{۱۵} شما در این کتاب تنها با دو بُعد «همانندناپذیری قرآن» و «تحریف‌ناپذیری قرآن» - تا حدودی - آشنا خواهید شد؛ این شناخت ضروری است تا زمینه‌های بروز شک را از قلب‌ها بزداید، به قاری و تدبرکننده در قرآن آرامش بیشتر دهد. باور به این کتاب را در وجود آنان تعمیق بخشید و در پی آن، عمل

- | | |
|--|-----------------------------------|
| ۱. ابراهیم، ۱. | ۲. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸. |
| ۳. همان، خطبه ۱۸. | ۴. بقره، ۲. |
| ۵. طور، ۳۴. | ۶. بقره، ۷۵. |
| ۷. بقره، ۱۸۵. | ۸. شعراء، ۱۹۲. |
| ۹. بقره، ۲۶. | ۱۰. نساء، ۱۷۳. |
| ۱۱. بقره، ۱۶۴. | ۱۲. مزمل، ۲۰. |
| ۱۳. سوره ص، ۲۹؛ محمد، ۲۴. | ۱۴. تغابن، ۸. |
| ۱۵. برای توضیح بیشتر، ر.ک: مطهری، آشنایی با قرآن، ص ۱ به بعد؛ نجارزادگان، قرآن در قرآن، ص ۱۵-۷۴. | |

فزون تر به آموزه‌های قرآن و تسلیم در برابر آورنده آن را پدید آورد. به زودی -در درس اول- مطالب بیشتری را درباره ضرورت شناخت اعجاز قرآن و -در درس نهم- ضرورت شناخت سلامت قرآن از تحریف، ملاحظه می‌کنید.

لازم است در این مجال به چند نکته درباره کتاب اشاره شود:

۱. در این کتاب، آیات و روایاتی که محور بحث بودند ترجمه شده و دیگر آیات و روایات که برای شاهد، آورده شده ترجمه نشده‌اند تا ضمن صرفه‌جویی در حجم کتاب، نوعی تمرین برای دانشجویان در امر ترجمه باشد؛

۲. بخش درخور توجهی از درس چهارم و یازدهم برگرفته از کتاب قرآن‌شناسی، نوشته استاد آیت‌الله مصباح یزدی و درس دوازدهم در بخش تحریف‌ناپذیری قرآن نیز از کتاب نزهت قرآن از تحریف، نگاشته استاد، آیت‌الله جوادی آملی است؛ به نظر ما دیدگاه این بزرگان در این‌باره کامل بوده و تنها با اصلاح و افزایش با متن آموزشی هماهنگ شده است؛

۳. بخش همانندناپذیری قرآن تلخیص و روان‌سازی جزوه درسی «تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن» است که نگارنده برای مقطع دکتری نگاشته و در مرحله آماده‌سازی برای چاپ است و حدود یک سوم از مبحث تحریف‌ناپذیری قرآن نیز از کتاب علوم قرآن (بخش تحریف‌ناپذیری) به قلم همین نگارنده است که در سال ۱۳۹۵ از سوی انتشارات سمت به چاپ رسید؛

۴. در پایان هر درس «چکیده درس»، «پرسش» و «پژوهش» آمده است. نوع این پژوهش‌ها جنبه کاوش و گزارش دارند تا دانشجویان با مراجعه به منابع گوناگون، معلومات خود را درباره همانندناپذیری و تحریف‌ناپذیری قرآن توسعه دهند، پاره‌ای از پژوهش‌ها با حجم کم برای تمرین هفتگی و پاره‌ای از آنها که کار بیشتری می‌طلبد، برای تمرین ترمی است. این بخش می‌تواند بنا به صلاحدید استاد، اختیاری یا الزامی باشد.

به هر روی آنچه وجهه همت نویسنده بوده و می‌توان آن را امتیاز این اثر نسبت به دیگر آثار در این‌باره به شمار آورد، در دو نکته است:

الف) کوشش برای ایجاد نوآوری در موضوع معجزه و تحریف نشدن قرآن: از جمله این نوآوری‌ها می‌توان به ارزیابی تعریف معجزه با معیار قرآن، حکمت نیاز به معجزات، تحلیل نسبتاً همه جانبه از وجوه اعجاز قرآن در قرآن (همراه با ارزیابی دیدگاه‌ها و پاسخ به مناقشه‌ها) اشاره کرد. باز در این کتاب موضوع ابتکاری «خطوط راهبردی در پاسخ به پندار اختلاف در قرآن»،

«معیارشناسی مثلیت در تحدی»، «تفاوت پندار تحریف قرآن با تحریف در عهدین» و «استناد به ادله دیگر قرآنی - غیر از آنچه نوعاً قرآن پژوهان به آنها استناد می‌کنند - را ملاحظه می‌کنیم؛ (ب) ارائه مباحث بر پایه آموزه‌های قرآن: اساس مطالب این کتاب بر پایه معارف قرآن بوده و کوشیده است تا حد ممکن از کتاب خدا و روایات معصومان بهره گیرد. افزون بر آن، همواره از قرآن به عنوان کتاب «حق»^۱ و «قول فصل»^۲ برای ارزیابی دیدگاه‌ها استفاده شده است. نگارنده با اذعان به کاستی‌های این اثر، از استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان گرامی انتظار دارد، با ارائه انتقادات و پیشنهادهای سازنده خود، وی را یاری رسانند. در اینجا سخن را با این کلام امام خمینی رحمته‌الله پایان می‌دهم، به این امید که برای خود، دانشجویان و جوانان عزیز غفلت زداید و زنگ بیداری شود:

«هان ای حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های اهل تحقیق! به پا خیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته و می‌تازند، نجات دهید؛ و اینجانب از روی جد و نه تعارف معمولی می‌گویم از عمر بر باد رفته خود در راه اشتباه و جهالت تأسف دارم و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه‌ها و دانشگاه‌ها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید و تدریس قرآن در هر رشته‌ای از آن را محط نظر و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف و پیری بر شما هجوم کرد، از کرده‌ها پشیمان و تأسف بر ایام جوانی بخورید، همچون نویسنده!»^۳

وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ وَعَلَيْهِ التَّكْلَانِ

قم: فتح‌الله نجارزادگان

بهار ۱۳۹۷

۲. طارق، ۱۳.

۱. رعد، ۱؛ فاطر، ۳۱.

۳. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۹۳.

بخش اول

تحلیل
هماندناپذیری
قرآن

درس اول

معناشناسی معجزه و ضرورت پژوهش

اهداف آموزشی: انتظار این است که دانش‌پژوه پس از این درس بتواند:

۱. معنای معجزه در لغت و اصطلاح علم کلام را بشناسد؛
۲. تعبیرهای قرآنی ناظر به اصطلاح معجزه را بداند؛
۳. معجزه اصطلاحی را با معیار قرآن ارزیابی کند و تعریفی درست ارائه دهد؛
۴. ضرورت پژوهش در خصوص معجزه قرآن را بشناسد؛
۵. درباره انتظار از معجزات، درک واقع‌بینانه پیدا کند.

اعجاز در لغت

اعجاز، مصدر باب افعال از عَجَز است. ابن فارس می‌گوید: «العین و الجیم و الزاء، أصلان صحیحان یدلّ أحدهما على الضَّعْف والآخر على مُؤَخَّر الشیء»؛ عَجَز کلمه صحیح از دو ریشه است یکی بر ضعف و ناتوانی و دیگری بر آخر هر چیزی دلالت دارد. «فالأول عَجَزَ عن الشیء یعجز عَجْزاً... و يقال: أعجزنی فلان، اذا عَجَزت عن طلبه و ادراکه»؛ هنگامی که برای دست یافتن و به دست آوردن کسی ناتوان باشی می‌گویی: فلانی مرا عاجز (ناتوان) ساخت. «وَأَمَّا الاصل الآخر فالعَجْزُ و الجمع أعجاز»^۱.

بر این اساس می‌توان گفت: «اعجاز» در لغت به معنای ناتوان ساختن کسی یا چیزی است که موجب می‌شود آن چیز یا آن کس، به تأخیر افتد به آخر رود^۲ و «معجزة»، اسم فاعل و «ة»

۱. ابن فارس، ترتیب مقایس اللغة، ص ۶۱۰.

۲. چون چه بسا در مواردی، ناتوان ساختن و به آخر رفتن لازم و ملزم یکدیگر باشند.

در آن برای مبالغه است. اعجاز در لغت به معنای «ناتوان یافتن» هم استعمال شده است.^۱ اعجاز در معنای نخست در این آیه به کار رفته که می‌فرماید: «إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ» (انعام، ۱۳۴) «بی‌گمان آنچه [در باره قیامت] به شما وعده داده‌اند، آمدنی است و شما ناتوان‌کننده [خدا از آوردن آن] نیستید».^۲ این معنا از آیه، از قرینه سیاق به دست می‌آید.

معجزه در اصطلاح

معجزه، از اصطلاحات کلامی است و نوعاً بدین‌گونه تعریف می‌شود: «امری خارق‌العاده همراه با تحدی و سالم از معارضه (یا همانندناپذیر) که خداوند آن را به دست پیامبرش پدید می‌آورد تا نشان راستی رسالت وی باشد».^۳ سلامت معجزه از معارضه به این دلیل است که همانندناپذیر است و دیگران از آوردن مثل آن ناتوانند.

برخی دانشمندان قید «تحدی» را در اصطلاح معجزه شرط نمی‌دانند؛ مانند ابن میثم بحرانی، از متکلمان که معجزه را تنها امری خارق‌العاده، مطابق با ادعای نبوت و همانندناپذیر - در جنس یا صفت - تعریف می‌کند؛^۴ یا علامه بلاغی، از قرآن‌پژوهان که در تعریف معجزه می‌گوید: «امری خارق‌العاده، خارج از توان بشر و قوانین علم و تعلّم که به عنایت حق تعالی توسط مدّعی نبوت صورت پذیرد تا دلیل بر صدق پیامبری وی و حجّت در ادعا و دعوتش باشد».^۵ پس، معجزه، سند صدق رسالت انبیا - و حجّت‌های خداوند - است به‌گونه‌ای که به وسیله آن صادق از کاذب باز شناخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

برخی کاوشگران در زمینه اعجاز قرآن با تأکید بر دشواری تحدید زمانی درباره به‌کارگیری واژه

۱. ر.ک: شرتوتی، اقرب الموارد، ج ۲، ص ۷۴۷.

۲. سیاق آیه درباره زنده شدن مردگان و محاسبه اعمال کيفر و پاداش آنان است و به مشرکان و منکران می‌گوید: «چنین وعده‌ای آمدنی است و شما نمی‌توانید خدا را از آوردن آن ناتوان سازید».

۳. ر.ک: شریف مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، ص ۲۸۳؛ فاضل مقداد، شرح الباب الحادی عشر، ص ۶۱؛ فخر رازی، المحصّل (محصّل افکار المتقدمین)، ص ۴۸۹؛ جرجانی، شرح المواقف فی علم الکلام، ص ۳۳۹.

۴. بحرانی، ابن میثم، قواعد المرام، ص ۱۲۷.

۵. بلاغی، آلاء الرحمن، ص ۳.

اعجاز و معجزه، بر این باورند که این واژه را نخستین بار احمد بن حنبل (د ۲۴۱ق)^۱ به کار برده است، با آنکه این اصطلاح در حدیث شیخ صدوق از امام صادق (علیه السلام) به کار رفته^۲ است که پیشینه آن را در قرن دوم نشان می‌دهد. در اینجا نیازی به گزارش و بررسی تاریخی مقوله اعجاز به طور عام یا اعجاز قرآن به طور خاص، نیست چون از هدف این نوشته بیرون است و نوعاً در آثار دیگران، مانند کتاب حمصی به آن پرداخته‌اند.

درباره پدیده اعجاز قرآن، پژوهش‌ها و تألیف‌های فراوانی انجام گرفته است در این موضوع، متکلمان، ادیبان و مفسران، بیش از دیگران پژوهش کرده، آثاری را به نگارش درآورده‌اند. دکتر محمدعلی رضایی کرمانی در کتاب خود، ۳۱۴ اثر مستقل پیرامون اعجاز قرآن را فهرست کرده است^۳ وی در این کتاب، از ۱۷۱ اثر دیگر نام می‌برد که برخی از فصل‌های آنها به اعجاز قرآن اختصاص دارند.^۴ آیت‌الله معرفت (د ۱۳۸۵ش) نیز در کتاب التمهید فی علوم القرآن، ۲۴ تن از شخصیت‌های بزرگ اسلامی از متقدمان - از عصر تابعین - تا عصر کنونی را گزینش و دیدگاه آنان را درباره اعجاز قرآن گزارش کرده است.^۵

کتاب التمهید یکی از کتاب‌های جامع در علوم قرآن، همانند البرهان فی علوم القرآن بدرالدین زرکشی (د ۷۴۵ق) و الاتقان فی علوم القرآن جلال‌الدین سیوطی (د ۹۱۱ق) و نیز مناهل العرفان زرقانی است. این منابع نیز - به طور طبیعی - فصلی از مطالب خود را به موضوع معجزه قرآن و معرفی پاره‌ای از آثار در این باره اختصاص داده‌اند.^۶

منابع دیگر در این باره، ده‌ها کتاب تفسیری اجتهادی از مذاهب و مکاتب گوناگون اسلامی هستند که نوعاً در ذیل آیات تحدی (مانند بقره، ۲۳؛ اسراء، ۸۸؛ هود، ۱۳) به بررسی معجزه قرآن می‌پردازند در این زمینه می‌توان کتاب علوم القرآن عند المفسرین^۷ را ملاحظه کرد که به

۱. حمصی، فکرة الاعجاز، ص ۷-۸.

۲. شیخ صدوق با سند خود از امام صادق (علیه السلام) درباره دلیل اعطای معجزه به انبیا چنین نقل می‌کند: «لیکون دلیلاً علی صدق من أتى به والمعجزة علامة لله لا يعطيها إلا أنبيائه و رسله و جججه ليعرف صدق الصادق من كذب الكاذب» (صدوق، علل الشرايع، باب ۱۰۰، ح ۱).

۳. ر.ک: رضایی کرمانی، کتابشناسی اعجاز قرآن، ص ۷۰-۱۴۸.

۴. همان، ص ۱۵۰-۱۶۷.

۵. معرفت، التمهید، ج ۴، ص ۳۹-۱۳۶.

۶. ر.ک: زرکشی، البرهان، ج ۲، ص ۹۳-۱۲۴؛ سیوطی، الاتقان، نوع ۶۴؛ زرقانی، مناهل العرفان، ص ۶۴۱-۷۲۷.

۷. مرکز الثقافة و المعارف القرآنية، علوم القرآن عند المفسرین، ج ۲، ص ۳۸۱-۵۶۵.

جمع‌آوری و طبقه‌بندی دیدگاه‌های مفسران پرداخته است. خاورشناسان نیز در مطالعات خود این موضوع را مدنظر قرار داده، آثاری از کتاب و مقاله در این باره نگاشته‌اند ساده‌ترین راه برای شناخت فهرست این آثار، منابع انگلیسی مدخل‌های «اعجاز، Inimitability» و «معجزه، Miracles» در دائرةالمعارف قرآن لیدن هستند که به ترتیب از سوی «Richard C. martin» و «Denis Gril» نگاشته شده‌اند.

این گزارشی بسیار فشرده از آثار انبوه در زمینه اعجاز قرآن است؛ آنچه در اینجا مدنظر ماست ارزیابی تعریف معجزه با معیار قرآن است.

ارزیابی تعریف معجزه با معیار قرآن

در قرآن تعبیرهایی به کار رفته که ناظر به اصطلاح معجزه است که با دسته‌بندی و تحلیل این عناوین می‌توان تا حدودی دیدگاه قرآن را به دست آورد و براساس آن معنای اصطلاحی معجزه را ارزیابی کرد. پاره‌ای از عنوان‌ها عبارت‌اند از:

– بینه: قرآن درباره ناقة حضرت صالح می‌فرماید: «قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (اعراف، ۷۳).

– آیه: قرآن درباره معجزات حضرت موسی (علیه السلام) چنین می‌فرماید: «وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ * حَقِيقٌ عَلَى أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ * قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ * فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ * وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ * قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ * يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَأَيَّ تَتَمُرُونَ» (اعراف، ۱۰۴-۱۱۰) در این آیات، حضرت موسی (علیه السلام) به فرعون می‌گوید: «همانا من پیامبری از سوی پروردگار جهان‌ها هستم؛ ... من از جانب پروردگارتان دلیلی روشن (معجزه‌ای آشکار) بر رسالت خود آورده‌ام ... فرعون گفت: اگر آیه‌ای آورده‌ای چنانچه در این ادعا از راستگویی، آن را بیاور و نشان بده» چنانچه که ملاحظه می‌کنید واژه «آیه» برای معجزه به کار رفته است.

این تعبیر درباره معجزات حضرت عیسی (علیه السلام) نیز به کار رفته که می‌فرماید: «أَتَى أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَانْفُخْ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۴۹) در این آیه نیز حضرت عیسی (علیه السلام) از معجزات خود با تعبیر «آیه» یاد می‌کند.

باز این واژه در سیاق برخی از آیات برای نشانه سند رسالت پیامبر اکرم به چشم می خورد. به همین دلیل می توان از آن، اعجاز قرآن را استنباط کرد. قرآن در توصیف خود می فرماید: «وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ... وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأُولِينَ * أَوْلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (شعرا، ۱۹۲-۱۹۷) سخن قرآن در این آیات این است: قطعاً خبر نزول قرآن در کتاب های پیامبران گذشته بوده است. پس آیا اینکه برخی عالمان بنی اسرائیل آن را نازل شده از ناحیه خدا بر پیامبر می دانند نشانه ای بر حقیقت رسالت پیامبر اکرم برای مشرکان نیست؟ در اینجا نیز قرآن، سند رسالت پیامبر اسلام شناخته شده و دلالت بر اعجاز این کتاب دارد.

— بینات: این تعبیر به معنای دلایل آشکار است و بارها قرآن آن را درباره معجزات انبیا به کار برده است^۱ از جمله می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ...» (حدید، ۱۵) درباره معجزات حضرت مسیح (علیه السلام) نیز می فرماید: «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى الدِّينِ إِذْ أَيَّدْتِك بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ» (مانده، ۱۱۰) و همچنین درباره معجزات پیامبر اعظم اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ» (صف، ۶) حضرت عیسی (علیه السلام) پیامبر اسلام را با وصف و با نام معرفی کردند تا هیچ گونه ابهامی نباشد. اما آنگاه که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) با دلیل های روشن آمد رسالت او را تکذیب کردند و گفتند: این جادویی آشکار است. قطعاً مصداق بارز این دلیل های آشکار، قرآن است که منکران اهل کتاب آن را شناختند و جادو نامیدند و جمعی از آنان نیز پس از شناخت، به حقیقت تن دادند و با چشمان اشکبار از ذوق گفتند: «... رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (مانده، ۸۳).

برهان: این تعبیر نیز درباره دو معجزه حضرت موسی (علیه السلام) به کار رفته است: «فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ... يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ... اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ... فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ...» (قصص، ۳۰-۳۲).

۱. ر. ک: توبه، ۷۰؛ یونس، ۱۳؛ ابراهیم، ۹؛ فاطر، ۲۵ و... .

اکنون در مقام ارزیابی از تعریف اصطلاحی معجزه براساس تعبیرهای یاد شده در قرآن می‌توان چنین گفت:

اول، معجزه، امری خارق‌العاده و سالم از معارضه است؛ مانند ناقه صالح، عصا، ید بیضای حضرت موسی (علیه السلام)، احیای مردگان از سوی حضرت عیسی (علیه السلام) و...؛ و چون ناباوران مستکبر در برابر این پدیده‌ها، اتهام جادو می‌زدند که از یک‌سو، نشان از خارق‌العاده بودن این پدیده‌ها نزد آنان داشت و از سوی دیگر، نمی‌توانستند با معجزه هماوردی کنند و آن را ابطال کنند؛ پس جمعی ایمان آوردند و گروهی مستکبر، نهایت عجز و ناتوانی خود را در اتهام‌های بی‌اساس به انبیا نمایان می‌ساختند و سپس برای جبران این ضعف، به قوه قهریه و تهدید به قتل و... متوسل می‌شدند؛ دوم، معجزه در دلالت بر صدق انبیا، نص است و هیچ ابهامی در آن نیست؛ چون قرآن از آنها با تعبیر «بینه»، «بینات»، «برهان» و «آیه» یاد کرده است؛

سوم، معجزه فقط برای انبیا نیست، بلکه برای اوصیا نیز هست و تنها به دست این دو گروه از انسان‌ها جاری می‌شود. مانند آوردن تختِ ملکه سبا از سوی وصی حضرت سلیمان که امری خارق‌العاده و در یک چشم به هم زدن بود. قرآن در این باره می‌فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي...» (نمل، ۴۰) آوردن تخت ملکه سبا دلیل آشکار بر صدق وصی حضرت سلیمان و اتمام حجت بر همگان بوده است؛ همان‌گونه که در روایت عیاشی از امام هادی (علیه السلام) نقل شده که آن حضرت ضمن اینکه آن شخص را آصف بن برخیا می‌نامد،^۱ می‌فرماید: «و لم يعجز سليمان عن معونة ما عرفه آصف، لكنّه - صلوات الله عليه - أحبّ أن يعرف أمته من الجنّ والانس أنّه الحجّة من بعده وذلك من علم سليمان أودعه آصف بأمر الله ففهمه الله ذلك لئلا يختلف في إمامته ودلالته، كما فهم [الله] سليمان في حياة داود لتعرف إمامته ونبوته من بعده لتأكيد الحجّة على الخلق؛^۲ حضرت سلیمان از انجام کاری که آصف می‌شناخت، ناتوان نبود، ولی می‌خواست آصف را به امت خود از انس و جن، به‌عنوان حجت خدا پس از خود معرفی کند. در واقع کار آصف از علمی بود که حضرت سلیمان به امر خدا به وی سپرده بود. بدین‌سان، خداوند به سلیمان فهماند که چنین کند تا کسی

۱. بنا به ظاهر آیه، نزد آصف بن برخیا، تنها یک علم از کتاب بوده است؛ ولی روایات فراوان از اهل بیت (علیهم السلام) بر کامل بودن همه علم کتاب نزد آنان حکایت می‌کند (ر.ک: قمی مشهدی، کنز الدقائق، ج ۴، ص ۵۶۴-۵۷۰).

۲. به نقل از: مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۲۵.

در پیشوایی و راهنمایی آصف اختلاف ننماید. همان‌گونه که خداوند در زمان حضرت داوود به وی تفهیم کرد امامت و نبوت سلیمان را به مردم بشناساند تا حجت بر آنان تمام شود». بنابراین، براساس آیات و این روایت که در تفسیر آیه آمده، تعریف معجزه عبارت است از: امری خارق‌العاده که نص بر صدق پیامبران و اوصیاست و به عنایت خدا به دست نبی یا وصی اجرا می‌شود. دیگران نیز از همانندآوری با آن ناتوانند، محیط اجرا نیز به‌گونه‌ای است که حجت را بر دیگران تمام می‌کند.

پس، معجزه، سند رسالت و وصایت است، قابل شبیه‌سازی، تعلیم به دیگران، و ابطال نیست. با این قیدها می‌توانیم تفاوت معجزه را با دیگر کارهای خارق‌العاده بشناسیم. یکم: می‌توان کارهای خارق‌العاده‌ای را که ساحران، شعبده‌بازان، تردستان و... می‌کنند شبیه‌سازی کرد و مثل آن را آورد، برخلاف معجزه که هرگز نمی‌توان شبیه آن را ساخت؛ دوم: معجزه تعلیم‌پذیر نیست تا به دیگران یاد دهند، بلکه تنها به عنایت خاص خدا برای انبیا و اوصیاست برخلاف سحر و جادو و غیبگویی و...؛

سوم: معجزه ابطال‌پذیر نیست؛ یعنی، کسی نمی‌تواند کاری کند که عصای موسی (علیه السلام) که مار می‌شود به عصا برگردد یا معارف قرآن را باطل کند، برخلاف کارهای دیگر که از سوی رقیبان یا دیگران باطل می‌شوند.

این سه تفاوت، درباره آنان که به دروغ خود را نبی یا وصی معرفی می‌کنند و برای فریب مردم کار خارق‌العاده انجام می‌دهند وجود دارد. یعنی: اول، کار خارق‌العاده آنان قابل شبیه‌سازی است؛ دوم، قابل تعلیم است، همان‌گونه که خودشان نیز با تعلیم از دیگران به چنین کاری دست می‌زنند؛ سوم، کار آنان را می‌توان ابطال کرد؛ چهارم چون معجزه، سند صدق نبوت و وصایت است، پس به کراماتی که از اولیای خدا سر می‌زند معجزه اصطلاحی گفته نمی‌شود؛ چون آنان با این کرامت، ادعای نبوت یا وصایت ندارند. در واقع این کرامات عنایتی هستند که خدا به بندگان شایسته خود می‌کند تا گره‌ای از کارها بگشایند، بی‌آنکه از این قدرت غیبی سوءاستفاده کنند.

درباره معجزه اصطلاحی می‌توان مثالی زد که برای مباحث آینده نیز راهگشاست؛ فرض کنید فردی بدون لباس فرم از سازمان آتش‌نشانی به در منزلی می‌رود و به آنان می‌گوید: من مأمورم، آمده‌ام تا به شما خبری دهم، منزل شما در معرض انفجار و آتش است. این خطر جدی

است اگر شما هم موقعیت خانه و خودتان را بسنجید، می‌توانید به این واقعیت پی برید. پس اگر می‌خواهید نجات پیدا کنید همراه من بیایید چون به هر سمت دیگری که حرکت کنید، خطر شما را تهدید می‌کند. افراد خانه در اینجا دو دسته می‌شوند؛ برخی همین که پیام او را می‌شنوند و موقعیت خانه و سابقه درخشان این مأمور را در نظر می‌گیرند و آماده می‌شوند تا همراه او حرکت کنند و برخی افراد خانه به وی می‌گویند: چگونه به صداقت شما آگاه شویم؟ وی کارت شناسایی خود را نشان می‌دهد تا همه افراد منزل به صداقت او پی ببرند؛ باز در اینجا افراد دو دسته می‌شوند؛ برخی بدون درنگ همراه او حرکت می‌کنند تا نجات یابند و برخی با آنکه صداقت او را دریافته‌اند، از سر لجبازی و خودخواهی وی را به تمسخر می‌گیرند و هر نوع خطری را دروغ می‌پندارند، تا آنکه دیر یا زود خطری که این مأمور صادق، بدون هیچ چشم‌داشتی گفته بود، آنان را فرا می‌گیرد و به کام خود فرو می‌برد.

این مثال با آنکه بسیار ناقص است، ولی می‌تواند تا حدودی ما را با مسئله نبوت و معجزه انبیا آشنا کند؛

یک: پیامبران الهی همانند ما بشرند، از جنس فرشتگان و یا ... نیستند، لباس فرم مخصوصی ندارند. به همین دلیل بهانه‌جویان به آنان می‌گفتند: «إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا...» (ابراهیم، ۱۰) پاسخ پیامبران نیز این بود «قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...» (ابراهیم، ۱۱) «پیامبرانشان در پاسخ آنان گفتند، آری ما جز بشری مثل شما نیستیم، ولی خداوند بر هر کس از بندگانش که بخواهد نعمت [سنگین نبوت را] دهد»؛

دو: خبری که پیامبران می‌دهند قطعی و کاملاً واقع‌بینانه است. همه پیامبران آمدند تا به بشر بگویند تو در معرض خطری و ما، بیم‌دهنده‌ایم، اگر از ما پیروی کنی نجات می‌یابی و به پادشاه‌های بزرگ بی‌مانند می‌رسی وگرنه، سقوط تو قطعی است. قرآن درباره همه پیامبران می‌فرماید: «وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ» (انعام، ۴۸) و برای نمونه، حضرت نوح (علیه السلام) به قوم خود می‌فرماید: «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ» (ذاریات، ۵۰) «پس با شتاب به سوی خدا حرکت کنید، همانا من از جانب او هشدار دهنده‌ام و شما را از عذاب وی برحذر می‌دارم...»؛

سه: این خطری که پیامبران گوشزد می‌کنند، عذاب خداست، زجر، رنج و رسوایی ابدی است که نتیجه عقاید باطل و کارهای زشت خود ماست؛

چهار: این خطر، نزدیک ماست چون بر اثر وسوسه‌های شیطان بیرونی و نفس درونی پدید می‌آید که به ما بسیار نزدیک‌اند؛ پس هر کس موقعیت خود را در این دنیا بداند این خطر را حس می‌کند و بدون درخواست معجزه (یا همان کارت شناسایی) در پی رسولان و پیامبران حرکت می‌کند و هر کس نتواند موقعیت خود را درک کند، کارت شناسایی می‌طلبد؛

پنج: معجزه پیامبران، کارت شناسایی نبوت آنهاست که اولاً: قابل شبیه‌سازی نیست؛ هیچ کس نمی‌تواند همانند آن را بسازد؛ ثانیاً: قابل تعلیم نیست تا به دیگران یاد دهند تا مثل آن را بسازند؛ ثالثاً: قابل ابطال هم نیست؛ برای مثال، کارت را در دستگاهی قرار دهند تا اطلاعات آن پاک شود؛

شش: پس از ارائه معجزه، حجت برای همه افراد خانه تمام می‌شود و نوبت این است که به درخواست مأموران الهی، گوش جان دهند. قرآن در سوره شعرا از چند تن از پیامبران چنین نقل می‌کند که به اهل دیار خود می‌گفتند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» (شعرا، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۴۴، ۱۶۳ و...)، تقوای خدا پیشه کنید، خیره‌سری را فرو گذارید و از ما پیروی کنید. در این میان، برخی دعوت انبیا را می‌پذیرند چون اهل خردند و به سرنوشت خود علاقه‌مند و برخی عناد می‌ورزند و خود را به هلاکت می‌سپارند؛

هفت: یکی از وظایف این مأمور (پیک) این است که به اهل خانه می‌گوید: من جانشین یا جانشینانی دارم اگر آنان نیز شما را به برنامه‌ای که دعوت کردم، فرا خواندند، از آنان پیروی کنید، آنان نیز کارت شناسایی دارند و هنگام لزوم نشان خواهند داد.

ضرورت شناخت معجزه قرآن

پژوهش در اعجاز قرآن برای هر دو گروه از منکران و مؤمنان، ضروری و با دستاوردهای درخشان است. برای منکران اتمام حجت است و اگر آنان خواهان هدایت باشند تردیدهایشان رخت برمی‌بندد و برای افراد با ایمان که به اعجاز - یا دست کم حقانیت - این کتاب باور دارند، زمینه‌های بروز شک را از قلب آنان بین می‌برد، باورهایشان را تعمیق می‌بخشد و در پی آن، عمل فزون‌تر به آموزه‌های قرآن و تسلیم در برابر آورنده آن را به وجود می‌آورد.

باز با این شناخت، یکی از انتظارهای قرآن برآورده می‌شود؛ چون قرآن انتظار دارد این کتاب را بشناسیم و سپس از اعماق جان تصدیق و باورش کنیم آنگاه با گام بعدی که بهره‌برداری از کتاب

خداست به تدریج به نقطه نهائی انتظار قرآن، یعنی اُنس و زندگی با قرآن راه یابیم. قرآن کریم، نخست میان کسانی را که می‌دانند قرآن حق است، با آنان که نمی‌دانند یا نمی‌خواهند بدانند، تفاوت نهاده، می‌فرماید: «أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّ أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (رعد، ۱۹) آنگاه در ادامه این آیات (در آیات ۲۰-۲۲) از منش‌های والای بندگی و اجتماعی «اولو الالباب» پرده برمی‌دارد؛ آنان که بر اثر آگاهی به حقانیت قرآن، به این منش‌ها رسیده‌اند. مانند وفای به پیمان با خدا، خوف از پروردگار و سختی حساب، صبر برای طلب خشنودی حق تعالی، برپایی نماز و انفاق روزی‌ها در نهان و آشکار و زدودن بدها به وسیله نیکی‌ها. اینها بخشی از دستاوردهای نورانی برای حق‌بینان خردمند است که انتظار قرآن را با تصدیق به این کتاب برآورده‌اند.

افزون بر اینها، آنچه پژوهش و شناخت در خصوص اعجاز قرآن - و یا دست‌کم حقانیت قرآن - را ضروری‌تر می‌نمایاند، دستاوردهای دیگری هستند که از جمله آنها می‌توان چنین برشمرد:
اول، یکی از متعلقات اصلی ایمان، ایمان به کتاب‌های الهی، از جمله ایمان به قرآن به‌عنوان کتاب فرستاده شده از ناحیه خداست؛

دوم، شناخت قرآن به‌عنوان معجزه، راهی برای دریافت و ایمان به دیگر معجزات پیامبران است. قرآن کریم می‌فرماید: «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَكُتِبَ لَهُ وَرَسُولِهِ...» (بقره، ۲۸۵)؛

سوم، یکی از راه‌های ابطال ادعای کسانی که پس از رسالت پیامبر اکرم ﷺ ادعای نبوت می‌کند، منوط به باورمندی به معجزه یا دست‌کم، حقانیت قرآن خواهد بود؛ چون قرآن، تصریح کرده پیامبر اکرم اسلام آخرین فرستاده الهی است: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ...» (احزاب، ۴۰) پس هر کس دیگری که ادعا کند پیامبر خداست و بر او وحی می‌شود دروغگوست و باید او را به اشتباه خود آگاه کرد تا بداند قرآن حق و معجزه است و با اعلان خاتمیّت در آن، جایی برای ادعای نبوت نیست؛

چهارم، با هر یک از طرفداران ادیان می‌توان براساس قرآن محاجّه کرد؛ برای مثال، به یک هندو، یا اهل کتاب، مانند مسیحی، گفت: نظر شما درباره این کتاب (قرآن) چیست؟ اگر به الهی بودن این کتاب و حقانیت آن اذعان دارد، پس دین او بنا به تعالیم قرآن منسوخ گشته و باید آخرین آیین الهی را بپذیرد. و اگر اذعان ندارد، باید ابهام او را با ادله اعجاز و حقانیت قرآن برطرف کرد.^۱

۱. در همین جا به این حقیقت اشاره کنیم که هر کس دغدغه مطالعه و پژوهش در ادیان و مذاهب را دارد تا

انتظار از معجزات

از معجزات چه انتظاری باید داشت؟ آیا همه انسان‌ها بر اثر معجزه به خدا و پیامبران ایمان می‌آورند؟! برای پاسخ به این دو پرسش، نخست باید به این نکته توجه شود که پیامبران ادعائی دارند و دعوتی؛ ادعای آنان این است که ما پیک خداییم و به ما وحی می‌شود و دعوت آنان نیز فراخواندن ما انسان‌ها به آیین توحیدی است که تنها راه نجات و کامیابی ماست. انتظار از معجزه در بعد ادعا این است که شک انسان را نسبت به ارتباط پیامبران با خداوند متعال برطرف سازد و چون این اتصال و ارتباط محال عقلی نیست، این شک با معجزه برطرف می‌شود. و در بعد دعوت این است که آدمیان حقایقی را درباره آیین توحیدی بدانند و پس از دریافت و آگاهی «بخواهند» و «ایمان» آورند. چون تنها «دانستن» برای رسیدن به سعادت کفایت نمی‌کند، بلکه «خواستن» و «ایمان آوردن هم شرط است. نقش معجزه در این میان آن است که حجت را برای آدمی تمام کند، تا برای «ندانستن» عذری نیاورده و در پی آن، برای «نخواستن» بهانه‌ای نداشته باشد.

از همین روست که می‌گوییم: اگر آدمی، موانع سر راه را کنار نهد همچون تقلید از نیاکان که در آیات متعدد آمده است، همانند این آیه: «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ» (زخرف، ۲۳) و نیز پیروی از گمان و خواهش‌های نفسانی که باز در چندین آیه آمده، مانند: «إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ» (نجم، ۲۳)، خواهد دید که پیامبران هم در ادعا و هم در دعوت هر دو صادق بوده‌اند؛ زیرا با عقل و فطرت آنان سخن می‌گویند.

پس اگر برخی مردم در ظاهر امر، پیامبران را به دروغ یا جادو، یا اتهام‌های دیگر، متهم می‌کنند در عمق جان خود دلیلی بر این امر ندارند و در واقع، بهانه می‌کنند و نمی‌خواهند به حقیقت اعتراف کنند. این مشکلات - در یک کلام - در علو و برتری جویی، و استکبار و گردن کشی آنان نهفته است. شاهد آن هم بررسی آیات در این زمینه است؛ از جمله در سوره مدثر (آیات ۱۶-۲۵) که از نخستین مواجهه مشرکان با قرآن سخن گفته است. در بخشی از این آیات می‌فرماید: «ثُمَّ نَظَرَ * ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ * ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ * فَفَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ * إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ

میزان حقانیت آنها را بشناسد یا برای خود آیینی برگزیند، باید متوجه باشد که برای آزمون و خطا در این زمان محدود دنیا فرصت نیست؛ پس شیوه معقول و منطقی این است که نخست موضع خود را درباره قرآن روشن کند؛ اگر قرآن را «حق» و «قول فصل» می‌داند، تکلیف دیگر ادیان و آیین‌ها را از قرآن به صورت واقع‌بینانه درمی‌یابد و اگر به قرآن با چنان اوصافی باور ندارد، با ادله اعجاز و حقانیت قرآن - که خواهید دید - می‌توان این امر را برای او اثبات و راه درست را آشکار کرد.

الْبَشْرِ»^۱. وی ولید بن مغیره است که در مقام داوری با آیات خدا، به جای انصاف، به ستیز برخاست «پس در آن [آیات] نگریست تا رأی خود را بازگو کند * آنگاه اخم کرد و بر چهره‌اش ناخرسندی نمود * سپس روی از حق برگرداند و تکبر ورزید و گفت: این قرآن چیزی جز افسونی برگرفته از جادوگران نیست * این چیزی جز سخن بشر نیست».

نظیر همین موضع‌گیری، از فرعونیان نیز نقل شده است. آنان از سر علم و عناد، معجزات حضرت موسی (علیه السلام) را انکار کردند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل، ۱۴).

نتیجه آنکه، از نظر قرآن، دلالت معجزه بر صدق ادعا و دعوت پیامبران، نص و قطعی است به‌گونه‌ای که هر کس بی طرف و یا بدون تکبر و برترجویی با آن روبه‌رو شود، هیچ تردیدی برای او درباره حقیقت معجزه باقی نمی‌ماند. پس اگر برخی افراد در مواجهه با معجزات، به آنها برچسب «سحر»، «کذب»، «کفانت» و... می‌زنند، از روی علم و دانایی به کذب و سحر معجزات یا جهالت نسبت به پیام معجزات نیست، بلکه براساس استکبار و تعصب کور است.

چکیده درس

معجزه از اصطلاحات کلامی است و همسو با معنای لغوی آن (عجز و ناتوانی) است، مسلمانان درباره معجزه، کتاب‌های بسیاری به صورت مستقل یا غیر مستقل (در لابه‌لای مباحث دیگر) نگاشته‌اند، تعریف معجزه را می‌توان با آیات قرآن و روایات سنجد و آن را تکمیل و تصحیح کرد. معجزه، سند صدق پیامبران و اوصیاست، قابل شبیه‌سازی، تعلیم به دیگران و ابطال نیست. پژوهش در معجزه قرآن دستاوردهای متعدد و درخشانی برای منکران و مؤمنان دارد؛ از جمله بخشی از انتظار قرآن را برآورده می‌سازد. شناخت معجزه قرآن - یا دست‌کم حقیقت قرآن - راهی برای دریافت و ایمان به دیگر معجزات پیامبران است، با آگاهی و باور به اعجاز قرآن راه برای ابطال مدعیان دروغگو در امر نبوت و نیز ابطال و نسخ ادیان غیر از اسلام هموار می‌شود. نباید از معجزه قرآن - مانند دیگر معجزات - انتظار معجزه داشته باشیم،

۱. همه این اوصاف روحی و روانی که قرآن در این آیات برای داوری ولید بن مغیره درباره قرآن برشمرده، ریشه در تکبر، نخوت و ستیزجویی او دارند؛ چون پس از آن است که حقیقت را دانسته و حجت بر او تمام شده است؛ به همین رو، قرآن بی‌درنگ وی را به عذاب فرا می‌خواند و می‌فرماید: «سَأُصَلِّيهٖ سَقَرَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ * لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ» (مدثر، ۲۶-۲۸).